

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استرالیا

۱۰ جون ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

خاطره ای از گذشته ها

در ماه جون سال ۲۰۰۳ به خاطر اجرای یک مأموریت در ولایت اورزگان، توسط پرواز UN از اسلام آباد راهی ولایت قندهار شدم. طیاره به تعداد هشت مسافر داشت در حالی که می توانست دوازده مسافر حمل کند. سفر ما تقریباً دو ساعت را در بر گرفت. در چوکی آنطرف من شخصی با پیراهن و تنبان سفید و واسکت شیروانی سیاه نشسته بود. در آنوقت هرکس کوشش می کرد دریشی به تن کند و الزاماً نکتائی نیز بزند. یکگرایش عجیبی به دریشی و پتلون و یخن قاق در همه می دیدم. حتی در کابل متوجه شده بودم که شخص سالمند و لاغر اندام در حالی که به مشکل بایسکلش را پیش می راند، دریشی زمان دقیانوس و نکتائی سرخ باریکی به تن داشت که سخت مرا نا راحت کرده بود زیرا به قول عوام "یا نی نی، یا ده ده" دریشی و چرخیدن در محور فرهنگ غرب حکم زمان شده بود.

به هرحال من با تعجب به طرف این شخص که فکر کردم دایرکتر کدام مؤسسه باشد دیدم و از این که مطمئن نبودم داخلی و یا خارجی است، به انگلیسی با او احوالپرسی کردم و پرسیدم به قندهار می مانید و یا جای دیگری از آنجا می روید؟ او به زبان محلی خود ما جواب داد، بلی به قندهار می مانم. او از من پرسید با کدام مؤسسه کار می کنم و ازین قبیل حرف ها.

لهجه محلی و خیلی اصطلاحی او برایم شکی نگذاشته بود که او افغان است لذا از او پرسیدم شما با کدام مؤسسه کار می کنید؟ من تقریباً اکثر کارمندان بلند پایه مؤسسات را می شناسم ولی هرقدر کوشش کردم شما را بجا نیاوردم.. او با همان سادگی که صحبت می کرد؛ جواب داد: من سر قونسل جدید پاکستان در قندهار هستم، او ادامه داده گفت، در اصل من کارمند وزارت خارجه در اسلام آباد مربوط بخش افغانستان هستم ولی از این که شرایط تغییر کرده است و شخص مناسب در این پست سراغ نداشتیم، من داوطلبانه این مسؤولیت را گرفتم ولی البته موقتی خواهد بود.

من در حالی که گوشه ایم برجسته شده و چشم هایم ابلق گردیده بود، از او پرسیدم، با این روانی دری گفتن را چگونه و در کجا آموخته اید؟ جواب داد من شش سال قونسل پاکستان در مزار شریف بودم

بعد موضوع صحبت ما تغییر کرد و از او پرسیدم آیا تغییرات موجود را پیش بینی می کردید؟ او با حفظ موقف دیپلوماتیکش به جواب من پرداخت و گفت ما همیشه از ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان حمایت کرده ایم و حال نیز مطمئن هستیم که آرامش و صلح در افغانستان به نفع پاکستان نیز هست. من با جرأت و بدون مقدمه برایش گفتم، آرامش و صلحی که توسط خود افغانها ایجاد شده باشد، البته که در آن منفعت های ملی و تعامل با معنا با دیگران متصور است. ولی با نظر داشت تحولات اخیر اگر مهاجمان به کشور من هدف اولی و نهائی شان فقط افغانستان باشد، فکر نمی کنم صلح ایجاد شده توسط آنها به نفع پاکستان نیز باشد، آنچه شما به آن اشاره نمودید. من هنوز از اراده اشغالگران چیزی نمی دانم ولی حدس می زنم که آنها به نیت ماندن در افغانستان و سرمایه گذاری در آن نیامده اند. زمان ثابت خواهد کرد که اگر آنها بار اقامت شان را در کشور ما بیندازند، ایجاد راه بحری ستراتیژی اجتناب ناپذیر شان را تشکیل خواهد داد و احتمالاً الحاق بندر گوادر به افغانستان و یا احتمالاً ایجاد یک بفر ستیت از نام بلوچستان دور از امکان نخواهد بود . سخنان ما الی نشست در میدان قندهار شامل جزئیات بیشتر ازین شد و او کارت ویزیتش را برایم داد و نهایت اصرار نمود که با او در تماس باشم و اقلأ یکبار در قونسگری با او ببینم. به او از ضیق بودن پروگرام خود یاد آور شدم و گفتم من در قندهار نمی مانم و همین امروز روانه اورزگان هستم، اگر فرصت داشتم حتماً با هم خواهیم دید . اظهارات اخیر سناتور جمهوری خواه ایالات متحده آقای باب لانسا در مورد احتمال تجزیه پاکستان و ایجاد بلوچستان مستقل که ستراتیژی منطقه ئی هندوستان نیز هست، مرا به یاد آن مناظره من با قونسل پاکستان در قندهار انداخت که امیدوارم بدون توسل به خشونت جامعه عمل بپوشد ... البته چنین احتمالی بدون تأثیر بالای تمامیت ارضی افغانستان و ایران ممکن نخواهد بود.....